

تشبیهات نا آشنا در شعر حافظ

۳ - تشبیهاتی که زائیده طبع خود حافظند .

اینگونه تشبیهات که امر مفرد به مفرد باشد زیاد نیستند و ممکن است چندتایی هم که در اینجا به این عنوان از آنها یاد می‌کنیم در آثار پیش از حافظ هم آمده باشد ولی به نظر نگارنده این سطور ترسیده است از این قبیل است :

عروس هنر و حجله حسن	ای عروس هنر از بخت شکایت منما
حجله حسن بیارای که داماد آمد ۱۱۷	سدف سینه
سدف سینه حافظ بود آرا مکش	جان بشکرانه کنم صرف گر آن دانه در
در گلستان وصالش نجمیدیم و برقت ۵۹	چمن لطافت و حسن
شمع خاور فکند بر همه اطراف شمع ۱۹۸	شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
بر کارگاه دیده بین خواب می زد ۲۱۸	خلوتگه کاخ ابداع :
کشفیده ایم به تحریر کارگاه خیال ۲۰۶	بامدادان که ز خلوتگه کاخ ابداع
گلر خانش دیده نر گسدان کنند ۱۳۳	کارگاه دیده :
هم مقام دلم از زلف سمن سای تو خوش ۱۹۴	نقش خیال روی تو تا وقت صبحدم
فناد زورق، سبرم ز بادبان فراق ۲۰۲	کارگاه خیال :
سر حکمت بما که گوید باز ۱۷۸	بیا که پرده گلریز هفت خانه چشم
قم فاستقی رحیقاً اسفی من الزلال ۳۲۴	شاخ نرگس :
	هر کجا آن شاخ نرگس بشکند
	گلستان خیال :
	هم گلستان خیال ز تو پر نقش و نگار
	زورق صبر :
	کنون چه چاره که در بحرغم بگردای
	افلاطون خم نشین شراب :
	جز فلاطون خم نشین شراب
	جام خاطر :
	ساقیست جام خاطر در دور آصف عهد

گوی بیان :

عشق و شباب و رندی مجموعه مرادست چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد ۱۰۵
 شیشه بازی سرشک
 شیشه بازی سرشکم نگری از چپ و راست گر بر این منظر بینش نفسی بنشین ۳۴۳
 بر کش ای مرغ سحر نغمه داودی باز که سلیمان گل از باد هوا باز آمد (۱۱۸)
 شاید ابداع بعضی از این تشبیهات مثل تشبیه گل به سلیمان بواسطه صنعت پردازی
 باشد مثلاً شاید شاعر خواسته است لفظی مناسب «داود» و «هوا» و «باد» بیاورد و مراعات
 نظری بسازد .
 تشبیهات و استعارات بدیع و زیبایی حافظ را بیشتر باید در این ساختمانهای تشبیهی
 جستجو کرد :

۱ - تشبیهات جمله به جمله و تشبیهات مرکب مانند :

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه جنات و تجری تحتها الانهار داشت ۵۴
 می نماید عکس می در رنگ روی مهوش همچو برگه ارغوان بر صفحه نسرین فریب ۱۲
 در سینه دلش ز نازکی بقوان دید مانده سنگ خاره در آب زلال ۵۸۱
 ۲ - تشبیهات و استعارات مقید مانند : شمشاد خوش خرام ، سرو صنوبر خرام ،
 افلاطون خم نشین و غیره :

یا قوت جانفزایش از آب لطف زاده شمشاد خوشخرامش در ناز پروریده
 چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما
 جز قسطلون خم نشین شراب سر حکمت به ما که گوید باز
 ۳ - استعاره های مکنیه ای که با استعاره حقیقیه توأمند مانند :

گر خلوت ما را شبی از رخ بفروزی چون صبح بر آفاق جهان سر بفرام (۲۳۰)
 ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد آتشی از جگر جام در افلاک انداز (۱۷۹)
 خواهم شدن بیستان چون غنچه بادل تنگه و آنجا به نیکنای پیراهنی دیدن ۲۷۰
 اشک غمازمن از سرخ بر آمد چه عجب خجل از کرده خود پرده دردی نیست که نیست
 اینگونه استعارات مکنیه توأم با استعاره حقیقیه در شعر حافظ فراوانست و از اقسام
 زیبایی تشبیه و استعاره در دیوان خواجه است .

۴ - تشبیهاتی که دارای وجه شبیهی نا آشنا و تازه و بدیعست و آن وجه شبه نیز در
 کلام ذکر می شود و به تشبیه تازگی می بخشد مانند « روی نمودن » و « بر هوا سوار شدن »
 در این ابیات :

روی رنگین را به هر کس می نماید همچو گل و برگ گویم باز پوشان باز پوشاندن (۲۷۷)
 چو گل سوار شود بر هوا سلیمان وار سحر که مرغ در آید به نغمه داود (۱۴۹)
 تشبیهاتی نزدیک به بعضی از تشبیهات حافظ در شعر شاعران دیگر و یا در شعر خود
 حافظ نیز دیده می شود. مراد از تشبیهات نزدیک آنها نیست که معنی مشبه یا مشبه به آنها به هم
 نزدیک است . به عبارت دیگری از این دو یا هر دو آنها با کلمه نزدیکی عوض می شوند مانند
 مهد خورشید در شعر نظامی بجای مهد ماه در شعر حافظ .

سحرگه چون روان شد مهد خورشید جهان پوشیده زیور های جمشید (خسرو شیرین)
 معماری دارللیلی را که مهدماه در حکم است خدارا در دل اندازش که بر منجنون گذار آرد حافظ
 ویا گلستان خیال در شعر حافظ به جای باغ تصور در شعر سعدی :

که بین گلستان و باغ از یکسو و تصور و خیال از سوی دیگر قرابت وجود دارد :
 هم گلستان خیالم (۱) ز تو بر نقش و نگار هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش
 حافظ ۱۹۴

سرو بسالای تو در باغ تصور بر جسای حیف باشد که به بالای صنوبر نگر
 (سعدی ۵۱۲ چاپ معرفت سال ۱۳۳۹)

یادآوری همینگونه تصرفات را باید یکی از طرق ابداع در تشبیه دانست که شاعر
 با تبدیل مشبه یا مشبه به به کلمه نزدیک به آنها در تشبیه تغییر یا تکاملی بوجود می آورد چنین
 تشبیهاتی را می توان تشبیه آشنا نامید . در اشعار خود حافظ نیز از اینگونه تشبیهات بسیار دیده
 می شود . مانند گلستان جهان و چمن دهر و باغ جهان در این ابیات :

گلگذاری ز گلستان جهان مارا بس زین چمن سایه آن سروروان مارا بس ۱۸۲
 حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفر ما گل بیخار کجاست ۱۶
 می بیاور که ننازد به گل باغ جهان هر که غارتگری باد خزانی دانست ۳۵

بعضی از تشبیهات حافظ بدیع بنظر میرسند ولی تازگی داشتن یا تکراری بودن آنها
 را با مطالعات کنونی بطور قطع نمی توان معلوم کرد از این قبیلند: تشبیه کون و مکان
 به صدف :

گوهری کز صدف کون و مکان بیرونست طلب از گمشدگان لب دریا می کرد (۹۶)
 تشبیه خرد به مرغ :

ور چنین زیر خم زلف نهد دانه خال ای بسا مرغ خرد را که به دام اندازد (۱۰۲)
 تشبیه زیبایی معشوق به صانع خدای :

زوصف حال تو حافظ چگونه نطق زدند که همچو صانع خدای و رای ادراکی (۳۲۴)
 تشبیه عشق به علم هیأت :

عجب علم بیست علم هیأت عشق که چرخ هشتمش هفتم زمینست (۳۹)
 تشبیه شمع به پروانه :

سوزدل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت (۱۴)
 تشبیه دیده به باغ :

من آن شکل صنوبر را ز باغ دیده بر کندم که هر گل کز غمش بشکفت محنت باد می آورد (۹۹)

۱ - نادر پور شاعر معاصر به جای « گلستان خیال » و « باغ تصور » باغ خیال

دارد :

ای حوری برهنه باغ خیال من پر باد از توساغر شعر زلال من

- تشبیه توفیق به قرعه :
- نظر بر قرعه توفیق و بمن دولت شاهست
تشیبه غیرت به برق :
- عقل می خواست کزین شمله چراغ افروزد
تشبیه خورشید به ساغر زرین :
- همین که ساغر زرین خور نهمان گردید
تشبیه طبیعت به سرا :
- تو کز سرای طبیعت نیروی بیرون
تشبیه طبیعت به چاه :
- پاک و صافی شو از چاه طبیعت به درآی
تشبیه قسمت به قرعه :
- دیگران قرعه قسمت همه بر عیش زدند
تشبیه مردم دیده به خال مشکین :
- مردم دیده ز لطف رخ او در رخ او
عکس خود دید گمان برد که مشکین خالیست
- تشبیه افق به خرگاه و شام به پرده :
- آن زمان وقت می صبح فروغست که شب
گردخرده گاه افق پرده شام اندازد (۱۰۲)
- تشبیه غیرت به باد :
- بلبلی خون دلی خوردوگلی حاصل کرد
باد غیرت به صدش خار پریشانندل کرد (۹۱)
- تشبیه عشق به مطرب :
- مژدگانی بده ای دل که دگر مطرب عشق
راه مستانه زد و چاره مخموری کرد (۹۶)
- تشبیه وصل به گلبن :
- غنچه گلبن وصل ز نسیمش بشکفت
مرف خوشخوان طرب از برگ گل سوری کرد (۹۶)
- همچنین است این تشبیهات مرکب بدیع در شعر حافظ که مکرر بودن آنها مستلزم مطالعات بیشتری است با آنکه نگارنده بیش از ۱۰۰ هزار تشبیه فارسی در اختیار دارد نظیر آنها را در آثار دیگران نیافته است :
- همچنین است این تشبیهات مرکب و غیر مرکب که در آثار دیگران به نظر نگارنده نرسیده است .

مضطرب حال مگردان من سرگردان را ۸

ای که بر مه کشی از عنبر سارا چو گان

۳

همچون بنفشه بر سر زانو نهادیم ۲۵۲
هلال عید در ابروی یار باید دید ۱۶۰
هر دم به قید سلسله در کارمی کشی ۳۲۱
بدان امید که آن شهسوار باز آید
رفت تا گیرد سر خود دهان وهان حاضر شوید

بی زلف سرکشش سر سودائی از هلال
جهان برابر وی عید از هلال و سمه کشید
کاهل روی چو باد صبا را بیوی زلف
به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم
دختر ز چند روزی شد که از ما کم شدست

جامه‌ای دارد ز لعل و نیم تاجی از حجاب
 که را رسد که کند عیب دامن پاکت
 مراد دل‌ز تماشای باغ عالم چیست
 با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته‌ای
 تخت زمرد ز دست گسل به چمن
 گوی خوبی که برد از تو که خورشید آنجا
 خیالش پارسایانراست محراب دل و دیده
 کلید گنج سعادت قبول اهل دلست
 بعد ازینم نبود شایبه در جوهر فرد
 غلام چشم آن ترکم که در خواب خوش هستی
 حلقه زلفش تماشاخانه باد صباست
 شد حلقه قامت من تا بعد ازین رقیبت
 برشکن کاکل ترکانه که در طالع تست
 دلم خزانه اسرار بود و دست قضا
 از سر کشته خود می‌گذرد همچون باد
 عشق دردانه است و من غواص و دریامیکده
 شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفتست
 گر چه شیرین دهان پادشاهانند ولی
 خوش‌چمنیست عارضت خاصه که در بهار حسن
 آن زمان وقت می صبح فروغست که شب

چون می ازخم بسبب وقت و گل افکند نقاب
 غنچه گلبن و سلم ز نسیمش بشکفت
 ای روی ماه منظر تو نو بهار حسن
 بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین
 گر چه موی میانت بچون منی نرسد
 به تخت گل بنشانم بتی چو سلطانی
 بر مرگ گل بخون شقایق نوشته‌اند
 ایدل اندر بند زلفش از پریشانی منال
 کمان ابروی جانان نمی‌پیچد سرا حافظ
 زلف تو مرا عمر درازست ولی نیست

عقل و دانش بردوش تا ایمن از وی نغنوید ۳۶۷
 که هم‌چو قطره که بر برگ گل رسد باکی ۳۲۳
 به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن
 بو که بوئی بشنویم از خاک‌بستان شما ۱۰
 راح چون لعل آتشین دریاب
 نه سوار است که در دست عنانی دارد ۸۵
 جبینش صبح خیزانراست روز فتح و فیروزی ۳۱۸
 مباد آنکه درین نکته شك و ریب کند
 که دهان تودز این نکته خوش‌استدلالیست ۴۸
 نگارین گلشنش رویست و مشکین سایبان ابر ۲۸۵
 جان صد صاحب‌دل آنجا بسته موئی ببین ۲۸۷
 زین درد گر نرانده‌ما را بهیچ بابی ۳۰۰
 بخشش و کوشش خاقانی و چنگر خانی ۳۳۳
 درش بیست و کلیدش بدلستانی داد ۶۹
 چه توان کرد که عمرست و نشانی دارد ۱۰۸
 سر فرو بردم در آنجا تا کجا سر بر کنم
 آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش ۱۰۹
 او سلیمان زمانست که خساتم با اوست ۴۰
 حافظ خوش کلام شد مرغ سخن‌سرای تو ۱۸۴
 کرد خرگاه افق پرده شام اندازد ۱۰۲

۱۳

فرصت عیش فکهدار و بزنجامی چند ۱۲۳
 مرغ خوشخوان طرب از برگ گل‌سوری کرد ۲۶۲
 خال و خط تو مرکز حسن و مدار حسن ۲۷۱
 کاین اشارت ز جهان گذران مادا بس ۱۸۲
 خوشست خاطر من از فکر این خیال دقیق ۲۰۳
 ز سنبل و سمنش ساز طوق و یاره کنم ۲۴۱
 کانسکس که پخته شد می چون ارغوان گرفت ۶۰
 مرغ زیرک چون بدام افتد تحمل بایدش ۱۸۷
 ولیکن خنده می‌آید بدین بازوی بی‌زورش ۱۸۸
 در دست سر موئی از آن عمر درازم ۲۲۹

همچنین است این تشبیهات مفرد به مفرد بدیع که نظیر آنها را در آثار دیگران ندیده‌ام. در این تشبیهات ادات تشبیه نیز ذکر شده است:

نکاهداری که قلاب شهر صرافست ۳۲	خموش حافظ و این نکته‌های چون زرسرخ
هم‌چو مو و افتاده شد در پای پیل ۲۱۰	حافظ از سر پنجه عشق نگار
که بود در شب تیره بروشنی چو چراغ ۲۰۰	بجلوه گل سوری نگاه می‌کردم
که در پیست زهر سویت آه بیداری ۳۹۰	مرو چو بخت من‌ای چشم مست یار بخواب
که بر دو دیده ما حکم اوروان بودی ۳۰۸	درآمدی ز دم کاشکی چو لمعه نور

منابع

این مقاله بر پایه استقراء از دیوان حافظ و آثار شاعران دیگر تنظیم شده و تاکنون کسی در این باره به این صورت اظهار نظر نکرده است و فقط جای جای از بعضی از منابع استفاده شده است :

- مطول تقنازانی چاپ سنگی ، چاپ ۱۳۰۱ قمری .
- سورخیال در شعر فارسی از دکتر شفیعی کدکنی .
- نقد شعر فارسی از نگارنده این سطور .
- از کوجه رندان از دکتر زرین کوب .

حافظ قرینی و دکتر غنی و دیوانها و مجموعه‌های شعر که در ضمن مقاله به آنها اشاره

شده است .

بقیه از صفحه ۷۸۷

از راه اکتساب بفکر یا حدس ، اقتدار بر استحضار معقولات ثانیه و علوم مکتسبه پیدا کرد که هر گاه بخواید بالفعل استحضار و استنباط کند تواند آن را عقل بالفعل گویند . و باعتبار حضور و حصول خود آن علوم و معقولات مکتسبه عند النفس که کمال اویند عقل بالمستفاد است که از عقل فعال منخرج نفوس بشری از درجه عقل هیولانی به درجه عقل مستفاد استفاده شده است . محو ، مقام توحید افعالی است . طمس ، مقام توحید صفاتی است . محق ، مقام توحید ذاتی . لاله الله و حده و حده و حده .

از جناب سرور اولیاء امیر المؤمنین علی علیه السلام است که فرمود :
اللهم نور ظاهری بطاعتک، و باطنی بمحبتک، و قلبی بمعرفتک، و روحی بمشاهدتک،
و سری باستقلال اتصال حضرتک یا ذا الجلال والاكرام .

بر ادرم : الطیبات للطیبین .

یاد او اندر خورده روش نیست حلقه او سخره هر گوش نیست

خیر و سمدت همگان را از حقیقت عالم - جلّت عظمته - خواهیم .

ارادتمند حقیقی و صمیمی دوستان . حسن حسن زاده

پنجشنبه ۱۲ ع ۲ سنه ۱۳۹۵ هـ ق = ۱۳۵۴/۲/۴ هـ ش